

راهبردهای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری (نقد و تحلیل ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری)

مصطفی چکنی* و محمدحسن حسنی**

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۱/۲۶	تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۷/۱۵
-------------------------	-----------------------

بحث «سازمان‌های مردم‌نهاد» و مشارکت این سازمان‌ها در فرایند کیفری یکی از جلوه‌های «سیاست جنایی مشارکتی» است که علاوه بر جنبه حمایتی از بزهدیده، به‌ویژه بزهدیدگان خاص نقش مهمی در تحقق حقوق شهروندی و پیشگیری از بزهدیدگی ثانوی ایفا می‌کنند، مضافاً اینکه در حوزه‌هایی که مدعی‌العموم به‌سادگی نمی‌تواند ورود کند و بحث تعقیب دچار مشکل می‌شود سازمان‌های مردم‌نهاد که امروزه برخی آنان را «دادستان خصوصی» یا «شبه‌دادستان» می‌نامند در تعامل با مدعی‌العموم قرار گرفته و سعی می‌کنند حامی حقوق جامعه و افراد در بحث اعلام جرم، اقامه دلیل، اعتراض به احکام دادگاه‌ها و ... باشند. در این مقاله سعی شده است با توجه به نوآوری آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه و مطرح کردن سازمان‌های مردم‌نهاد در بحث اعلام جرم (ماده (۶۶)) میزان مشارکت این سازمان‌ها و شرایط مداخله آنان در فرایند کیفری و چالش‌ها و نواقص در این زمینه از جمله نحوه شکل‌گیری این سازمان‌ها در ایران و خلأهای موجود مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: عدالت ترمیمی؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ سیاست جنایی؛ بزهدیده؛ ذی‌نفع

* دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

کرمانشاه (نویسنده مسئول)؛

Email: chekany@yahoo.com

** استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه دامغان؛

Email: m_hasani@du.ac.ir

مقدمه

ارائه تعریفی جامع و مانع از سازمان‌های مردم‌نهاد قدری مشکل است زیرا این سازمان‌ها افزون بر کارهای متعدد (همچون حقوق بشر، محیط زیست، توسعه و ...) دارای منشأ پیدایش متعدد نیز است. تعاریف متعددی از سازمان‌های مردم‌نهاد به عمل آمده که برخی ویژگی «خصوصی بودن» و برخی «غیرانتفاعی بودن» را مطرح کرده‌اند.

در عرصه ادبیات برای بیان «گروه‌های مردم‌نهاد» بهتر است روی دو متغیر تأکید کنیم که یکی از آنها «سازمان» (منظور از سازمان، نهادهای هماهنگ اعضای یک مجموعه انسانی است که برای دستیابی به اهداف معین ساماندهی می‌شوند) و دیگری «غیردولتی» است. بنابراین تعریفی در این عرصه معنادار خواهد بود که آن دو را پوشش دهد. از این رو سازمان‌های غیردولتی «به مجموعه افراد حقیقی گفته می‌شود که جهت دستیابی به اهداف مشترک، تلاش‌های خود را هماهنگ می‌سازند و از یک شخصیت حقوقی، حقوق خصوصی برخوردار می‌باشند» (امیر کواسمی، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۰).

در شورای واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی اصطلاح Non Governmental Organization به صورت اختصاری NGO و با مفهوم «سازمانی که بدون وابستگی‌های اداری و مالی به دولت برای تأمین منافع عمومی فعالیت می‌کند» مطرح و در نهایت معادل «سازمان‌های مردم‌نهاد» با صورت اختصاری «سمن» به تصویب رسید (وبگاه فرهنگستان زبان ادب فارسی). در ماده (۱) آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد مصوب هیئت وزیران منتشر شده در روزنامه رسمی شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ «نهاد مدنی» این گونه تعریف شده است: ماده (۱): «نهاد مدنی نهاد غیردولتی است به منظور فعالیت در راستای توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده یا می‌شود». علاوه بر «غیردولتی بودن» که در ماده (۱) بیان شده در ماده (۳) این آیین‌نامه به «غیرسیاسی بودن» و «غیرانتفاعی بودن» به عنوان ویژگی‌های این نهاد اشاره شده است.

۱. ویژگی‌ها، منشأ پیدایش و علل رشد سمن‌ها

نکته قابل توجه در خصوص ویژگی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد این است که هرچند این سازمان‌ها از نظر منشأ پیدایش و اهداف و همچنین عرصه‌های فعالیت جغرافیایی و عملکرد با یکدیگر جمع

نمی‌شوند اما عمدتاً دارای وجوه مشترکی مانند غیرانتفاعی، غیردولتی و غیرسیاسی هستند.

منظور از «ویژگی غیردولتی» طبق تبصره ذیل ماده (۱) آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳/۶/۱۳۹۵ اشاره به چند نکته است:

الف) عدم وابستگی به دولت و نهادهای حاکمیتی؛

ب) عدم دخالت دولت و نهادهای حاکمیتی در تأسیس، اداره و استمرار؛

ج) عدم فعالیت مقامات و مسئولان و کارکنان دولتی و نهادهای حاکمیتی با استفاده از جایگاه حقوقی خود به‌عنوان مؤسس یا عضو.

منظور از ویژگی «غیرانتفاعی» طبق تبصره «۱» ماده (۲) آیین‌نامه فوق: «... عدم برداشت مستقیم یا غیرمستقیم سود و سایر منافع اقتصادی حاصل از انجام فعالیت‌ها به نفع اعضا، مؤسسات، مدیران و کارکنان یا افراد وابسته به آنان است».

منظور از ویژگی «غیرسیاسی» طبق قسمت اول تبصره «۱» ماده (۲) آیین‌نامه فوق یعنی «نداشتن فعالیت سیاسی موضوع قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰...» است. ورود سمن‌ها به کارهای سیاسی نه تنها موجب دور شدن آنها از اهداف اصلی سازمان خواهد بود بلکه آنها را همانند احزاب سیاسی معرفی خواهد کرد.

از نظر منشأ پیدایش، تشکیلات غیردولتی از سه منبع مختلف «بالا» یعنی از طریق فرامین دولتی، از «پایین» یعنی با جنبش‌های خودجوش مردمی و از «بیرون» یعنی تحت تأثیر کنش‌های فرهنگی یا متأثر از فشارهای نهادهایی همچون کلیسا و ... شکل می‌گیرند (امیرکواسمی، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

درخصوص علل رشد سمن‌ها که از اواخر دهه ۸۰ میلادی رخ داده است برخی آن را محصول دو انقلاب انفورماتیک و رشد طبقه متوسط و چهار بحران در حوزه‌های توسعه، دولت رفاه، فروپاشی بلوک شرق و محیط زیست می‌دانند (همان: ۱۷۷). درخصوص عملکرد این نهادها برخی آن را وسیله توسعه می‌دانند و برخی با توسل به گفتمان «کوچک زیباست» آن را پیامد کوچک شدن دولت می‌دانند و برخی آن را موج سوم دموکراسی قلمداد کرده و آن را تکامل و توسعه این مدل سیاسی ارزیابی می‌کنند (همان: ۱۷۶).

۱-۱. جایگاه سمن‌ها در قوانین و مقررات داخلی

قوانین و مقررات متعددی در نظام حقوقی ایران وجود دارد که به صورت مستقیم و غیرمستقیم از تأسیس و مشارکت و فعالیت سمن‌ها سخن به میان آمده است. در نظام حقوقی ایران، مشارکت مردم در اداره جامعه یکی از موضوعات مهمی است که در اصول (۳، ۶، ۷، ۸، ۲۹، ۵۶، ۵۹ و ۱۰۴) قانون اساسی به آن تأکید شده است. ضمناً اصل (۲۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «کلیه احزاب، جمعیت‌ها، تشکله‌ها و گروه‌ها (از جمله سازمان‌های غیردولتی) می‌توانند آزادانه به فعالیت مشغول شوند مشروط به آنکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی ایران را نقض نکنند...» اصل (۲۶) قانون اساسی به دو موضوع مهم اشاره داد: الف) اصل آزادی اجتماعات، ب) اصل مشارکت آزادانه افراد در این اجتماعات.

براساس ماده (۵۸۴) قانون تجارت هر مؤسسه غیرتجاری از جمله سازمان‌های غیردولتی به شرط مغایرت نداشتن اهداف آنها با نظم عمومی و شرع از تاریخ ثبت در دفتر وزارت عدلیه (در حال حاضر اداره ثبت شرکت‌ها) دارای شخصیت حقوقی می‌شود اما در حال حاضر طبق آیین‌نامه تشکله‌های مردم‌نهاد منتشر در روزنامه رسمی مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۳ سازمان‌های مردم‌نهاد علاوه بر اجازه تأسیس (تبصره «۱» ماده (۱۴) آیین‌نامه) طبق ماده (۲۹) آیین‌نامه بایستی پروانه فعالیت کسب، اخذ و آن را به ثبت برسانند تا نهایتاً دارای حقوق مندرج در ماده (۲۹) آیین‌نامه شوند. در آیین‌نامه فوق به ویژگی‌های سمن‌ها و همچنین نظارت و دیگر مقررات مربوط به آنها اشاره شده است.^۱

۱. برای اطلاعات بیشتر به این قوانین مراجعه شود: ۱. اصل (۲۶) قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات سال ۱۳۶۸؛ ۲. ماده (۵۸۴) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱؛ ۳. ماده (۱) آیین‌نامه ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب ۱۳۳۷؛ ۴. قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی، صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۶۱؛ ۵. مصوبه نحوه تشکیل و تأسیس انجمن‌های علمی، ادبی و هنری شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۰؛ ۶. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱؛ ۷. آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴؛ ۸. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده (ماده (۱۲)) مصوب ۱۳۸۸؛ ۹. ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲؛ ۱۰. آیین‌نامه تشکله‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۳.

۲. راهبردها و نقش سمن‌ها در فرایند آیین دادرسی کیفری

۲-۱. راهبردهای مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری

به نظر می‌رسد با توجه به رویکرد تقنینی اخیر در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای تحقق راهبردهای زیر از سازوکار «سازمان‌های مردم‌نهاد» استفاده شده است.

بند اول) اصول حمایت از منافع جامعه و افراد

با توجه به اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری می‌توان گفت ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری یکی از سازوکارهایی است که در جهت تحقق «اصل حقوق دفاعی» در جهت تأمین منافع افراد (مثل بزه‌دیدگان خاص) همچنین در جهت تحقق «اصل کشف حقیقت» (جرائمی که قربانی خاص ندارند مثل جرائم علیه محیط زیست) که از اصول راهبردی ناظر به حمایت از افراد و جامعه می‌باشد به تصویب رسیده است توضیح اینکه اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

الف) اصول راهبردی ناظر به حمایت از حقوق جامعه که عبارت‌اند از: ۱. اصل کشف حقیقت، ۲. اصل سرعت در رسیدگی.

ب) اصول راهبردی ناظر به حمایت از حقوق افراد که عبارت‌اند از: ۱. اصل برائت، ۲. اصل حقوق دفاعی (ساقیان، ۱۳۹۲: ۱۰).

آیین دادرسی کیفری می‌بایست توازن بین حقوق جامعه از یک‌سو و حقوق افراد از سوی دیگر را برقرار کند.

بند دوم) الگوی دادرسی منصفانه

سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان یکی از سازوکارهای «الگوی دادرسی منصفانه» برشمرد. «هربرت پاکر» استاد حقوق کیفری دانشگاه استنفورد دو الگوی عمده درباره فرایند کیفری شناسایی کرده است که آنها را اصطلاحاً «الگوی کنترل جرم» و «الگوی دادرسی منصفانه» نامیده است. الگوی اول به‌مثابه چرخه‌ای است که هدف از طرح آن، تسهیل و شدت برخورد با مجرمان است از این‌رو نظام عدالت کیفری منطبق با این الگو به‌جای توازن‌بخشی میان مصالح

متهم و جامعه، بیشتر دغدغه دستگیری، محاکمه و سزا دادن بزهکاران را دارد اما در الگوی دوم بیشترین دغدغه کنشگران نهادهای عدالت کیفری، دقت در تعقیب بزهکاران و رعایت حقوق متهمان است. به عقیده هربرت پاکر، هدف عدالت کیفری برقراری انصاف و دادگری در همه مراحل رسیدگی کیفری است (قیانچی و دانش ناری، ۱۳۹۱: ۱۶۸-۱۶۷).

در خصوص اینکه «ادارسی منصفانه» چیست؟ دو تعریف وجود دارد: تعریف موسع که معتقد است «ادارسی منصفانه» آن است که حقوق دفاعی متهم رعایت شود مثل حق داشتن وکیل و غیره. تعریف مضیق «ادارسی منصفانه» را رعایت «اصل برابری سلاح‌ها» می‌داند. مفهوم «اصل برابری سلاح‌ها» یعنی هیچ کسی نباید در دعوا در شرایطی قرار گیرد که نسبت به موقعیت طرف دیگر از وضعیت نامناسبی برخوردار باشد (ساقیان، ۱۳۸۵: ۷۹).

یکی از ابعاد مهم حقوق بشری که برای همه بزه‌دیدگان قابل اعمال است، احترام به آنها در چارچوب رعایت معیارهای رفتار منصفانه است، رعایت «معیارهای رفتار منصفانه» و «ادارسی منصفانه» دو بعد مهم حقوق بشری این موضوع محسوب می‌شود که اولی به رعایت حقوق بزه‌دیدگان و دومی به حقوق مجرمان و متهمان در فرایند کیفری اشاره می‌کند، حق بزه‌دیده بر امنیت خود و شهودش و اطلاع از حقوق خود در فرایند کیفری از جمله این حقوق است (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۱: ۲۲۷).

بند سوم) سیاست جنایی مشارکتی

یکی دیگر از راهبردهای مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی تحقق «سیاست جنایی مشارکتی» است. مطرح کردن سازمان‌های مردم‌نهاد در قانون آیین دادرسی کیفری یکی از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی است که علاوه بر جنبه حمایتی از بزه‌دیده به‌ویژه بزه‌دیدگان خاص، نقش مهمی در تحقق حقوق شهروندی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی ایفا می‌کنند، مضافاً اینکه در حوزه‌هایی که مدعی‌العموم به‌سادگی نمی‌تواند به آنها ورود کند و بحث تعقیب دچار مشکل می‌شود سازمان‌های مردم‌نهاد که امروزه برخی آنان را «دادستان خصوصی» یا «شبه‌دادستان» می‌نامند در تعامل با دادستان قرار گرفته و سعی می‌کنند حامی حقوق جامعه و افراد باشند.

برخی نویسندگان سیاست جنایی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «مجموعه روش‌هایی که به‌وسیله آن بدنه اجتماع (دولت و جامعه مدنی) پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند» (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۴).

تعریف فوق سیاست جنایی را در معنای موسع بیان می‌کند اما سیاست جنایی در معنای مضیق به «مجموعه روش‌های سرکوب‌کننده که دولت با آن در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد» اطلاق می‌شود سیاست جنایی در معنای مضیق معادل حقوق کیفری است همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سیاست جنایی به مفهوم مضیق بر عناصر (بزه، بزه‌کار، واکنش و دولت) تأکید شده است اما در سیاست جنایی به مفهوم موسع بر عناصر (مجموعه روش‌ها، بدنه جامعه، پاسخ و پدیده مجرمانه) تأکید شده است.

سیاست جنایی خود به سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی تقسیم می‌شود. سیاست جنایی تقنینی عبارت است از: «چاره‌اندیشی قانونگذار در مورد جرم با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور» و سیاست جنایی قضایی «شامل آن سیاست جنایی می‌شود که در تصمیم‌ها و رویه‌های دادگاه‌های دادگستری منعکس است. گفتمان تقنینی سیاست جنایی به‌طور کامل مورد تأیید قوه قضائیه نیست و به‌صورت‌های مختلفی درک و پذیرفته می‌شود که سیاست جنایی قضایی را شکل می‌دهد». سیاست جنایی اجرایی «سیاستی است که از سوی قوه مجریه به‌عنوان رکن اجرایی کشور برای تطبیق و اجرای سیاست‌های جنایی اتخاذ شده از سوی قوه مقننه در پیش گرفته می‌شود لذا سیاست قوه مجریه در زمینه کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین موجود است سیاست جنایی اجرایی را تشکیل می‌دهد». و سیاست جنایی مشارکتی «بیانگر مشارکت مردم و نهادهای غیررسمی و غیردولتی چه در امر پیشگیری از جرم و چه در واکنش نسبت به جرائم و انحرافات اجتماعی است» (شیعه علی، زارع و زارع، ۱۳۹۴: ۲۹۱).

سیاست جنایی مشارکتی خود به دو نوع کنشی یا پیشگیرانه و واکنشی و پاسخگو تقسیم می‌شود در نوع اول که در جرم‌شناسی به آن پیشگیری اجتماعی گفته می‌شود قبل از ارتکاب جرم از دخالت مردم و نهادهای جامعه و ظرفیت آنها برای جلوگیری از ارتکاب جرم استفاده می‌شود و در نوع دوم بعد از ارتکاب جرم از قابلیت‌ها و توانایی‌های جامعه مدنی

برای حل اختلافات استمداد می‌شود به عبارت دیگر اختلافی که برخاسته از بطن جامعه است برای رسیدگی به همان جا ارجاع داده می‌شود (همان: ۲۹۳).

بزه‌دیده‌شناسی که در دهه‌های اخیر ظهور کرده سعی دارد هم نقش بزه‌دیده را در تکوین جرم و رابطه او را با جرم و مجرم بررسی کند (بزه‌دیده‌شناسی اولیه) و هم با ارائه کمک‌های مختلف به بزه‌دیده و حمایت از او وضعیت را بهبود بخشد (بزه‌دیده‌شناسی ثانوی). در واقع بزه‌دیده‌شناسی حمایتی بر این اندیشه استوار است که جامعه محلی و کل جامعه با مرکزیت نظام عدالت جنایی باید در همه سطوح سیاستگذاری جنایی (تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی) توجه به حقوق مادی و معنوی بزه‌دیده را طی تدابیر برنامه‌ریزی شده و موقعیت حقوقی در فرایند کیفری مورد توجه قرار دهد و نیازهای بایسته وی را مرتفع کند (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۲۸۹).

۲-۲. نقش سمن‌ها در فرایند کیفری

هرچند سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند اما در حوزه حقوق و در مسائل کیفری ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران پیش‌تر در امور پیشگیری از بزهکاری و کمک به افسار آسیب‌پذیر همچون کودکان به کار رفته است.

سازمان‌های غیردولتی ابتدا در زمان قانون برنامه سوم توسعه نام‌برده شده و در آن تمام نقش‌های جامعه مدنی و جلوه مشارکت مدنی در پیشگیری از وقوع جرم برای سازمان‌ها تدوین شده است (قربانیان و هراتیان نژادی، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

به عبارت دیگر تاکنون فعالیت این سازمان‌ها در حوزه کنشی^۱ بوده (پیشگیری) حال آنکه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حوزه فعالیت سازمان مردم‌نهاد به حوزه واکنش^۲ گسترش پیدا کرده است. از این حیث ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری تحولی در بحث مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری است. هرچند گفته می‌شود یکی از ویژگی‌های این سازمان‌ها «غیرسیاسی» بودن است، یعنی اینها مستقیماً کار سیاسی نمی‌کنند؛ لیکن در بلندمدت در تحولات سیاست جنایی مسلماً مؤثر خواهند بود. نقش سمن‌ها را در فرایند کیفری می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

1. Proactive
2. Reactive

الف) سمن‌ها به‌عنوان شاکی یا اعلام‌کننده جرم: سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به‌عنوان شاکی یا اعلام‌کننده جرم در فرایند کیفری مشارکت کنند، و در این قسمت به‌عنوان «دادستان خصوصی» یا «شبه دادستان» عمل کرده و گام مهمی در برقراری امنیت و کمک به بزه‌دیدگان خاص داشته باشند (مفاد ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری).

ب) سمن‌ها به‌عنوان همیاران دادگاه: در مرحله رسیدگی تحت عنوان «دوستان دادگاه» و نه طرف دعوا با توجه به صلاحیت، تجربه و تخصصی که دارند دیدگاه‌های خود را در اختیار دادگاه قرار دهند.

ج) سمن‌ها به‌عنوان مشاور قربانی: اینکه در طول فرایند کیفری، اقدامات مشاوره‌ای و امدادی مناسب برای بزه‌دیدگان انجام دهند.

د) سمن‌ها به‌عنوان یاری‌گر مجرمان در جهت اصلاح: در نهایت طی اجرای احکام، یاری‌گر مجرمان باشند تا با اتخاذ تدابیر مناسب زمینه اصلاح و برگشت آنها به جامعه فراهم شود (کوشکی، ۱۳۹۲: ۶۸) (مفاد بند «ب» ماده (۲۹) آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد مصوب (۱۳۹۵)).^۱

۳. جایگاه قانونی سمن‌ها در سیاست جنایی و اکثنتی ایران

برای مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری (نظام‌های آیین دادرسی کیفری) چهار مورد متصور است:

الف) سمن به‌عنوان اعلام‌کننده یا شاکی جرم،

ب) سمن به‌عنوان یار یا دوست دادگاه در جهت ارائه نظرهای تخصصی،

ج) سمن به‌عنوان مشاور قربانی،^۲

د) سمن به‌عنوان یاری‌گر مجرمان در جهت اصلاح و بهبود (نظارت در مرحله اجرای احکام).
مسئلاً جایگاه شاکی و حقوقی که وی در فرایند کیفری دارد با اعلام‌کننده جرم و

۱. ماده (۲۹) آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد: تشکل‌ها پس از دریافت پروانه فعالیت ثبت نام، از حقوق زیر برخوردار می‌شوند: الف) مشاوره، اظهارنظر و ارائه پیشنهاد راهکارها به دستگاه‌های اجرایی متناسب با تخصص و موضوع فعالیت تشکل. بند «ب» دیده‌بانی و نظارت بر عملکرد سایر بخش‌های جامعه در زمینه فعالیت تخصصی خود.

۲. برای اطلاع بیشتر نک. کاترین، ۱۳۸۳: ۳۱۳.

همچنین با مقام تعقیب (دادستان) متفاوت است. در هر صورت جایگاه و سمت فردی که در فرایند کیفری یا مدنی شرکت می کند باید روشن باشد.

محدودیت‌ها برای طرح و اقامه دعوی در آیین دادرسی مدنی نسبت به آیین دادرسی کیفری بیشتر است چرا که در آیین دادرسی مدنی بحث حقوق خصوصی افراد مطرح می‌باشد و این حقوق متعلق به متضرر یا افراد است. لذا در آیین دادرسی مدنی گفته می‌شود اقامه کننده دعوی باید ذی نفع بوده و سمت او در دعوی باید معلوم باشد. به عبارت دیگر ما در آیین دادرسی مدنی مفهوم اعلام کننده به شکلی که در ماده (۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری مطرح است نداریم البته در جرائم قابل گذشت (حق الناس) به دلیل اینکه جنبه خصوصی جرم بر جنبه عمومی غلبه دارد شرایط مطرح شده برای طرح دعاوی مدنی باید رعایت شود و اعلام کننده در این گونه جرائم حقی برای اعلام جرم ندارد (ماده (۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲). اما با توجه به اینکه دعوی کیفری متعلق به جامعه است و در صورت عدم طرح دعوی کیفری، منافع عموم به خطر می افتد هر چند دادستان نماینده جامعه در طرح دعوی عمومی است. لیکن با توجه به اینکه دادستان در همه عرصه‌ها نمی تواند از وقوع همه جرائم مطلع شود در آیین دادرسی کیفری مفهوم اعلام کننده جرم در ماده (۶۵) مطرح شده و به عموم اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی اجازه داده شده تحت شرایطی اقدام به طرح و اقامه دعوی کیفری کنند هر چند خود، مجنی علیه جرم نباشند.

برخی اعتقاد دارند عبارات استفاده شده در ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن مثل «حق شرکت در کلیه مراحل دادرسی» و «حق اقامه دلیل در جرائم منافی عفت» قرینه قابل تأملی بر وجود «نفع حقوقی» برای سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان ذی نفع این دعاوی است. از طرفی این حق ذیل فصل سوم قانون آیین دادرسی کیفری تحت عنوان وظایف و اختیارات دادستان آمده است که در جای خود بیانگر اعطای یک کارکرد و نقش شبه دادستانی به سازمان‌های مردم‌نهاد می‌باشد (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

از طرفی این مسئله را نمی توان فراموش کرد که با توجه به گستردگی جرائم، حضور نهادهای مردمی، نقش بسزایی هم در جهت حمایت از بزه دیده و هم در جهت پیشگیری از

جرائم، کشف و تعقیب آن می‌تواند ایفا کند. به عبارت دیگر از آنجا که سمن‌ها شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای از بخش‌های اجرایی دارند به‌نحو دقیق‌تری می‌توانند در مسیر تأمین امنیت کشور حرکت کنند به همین دلیل در اکثر نظام‌های کیفی دنیا در کنار بزه‌دیده و دادستان، سعی شده از اشخاص دیگری جهت کمک به بزه‌دیده و دادستان استفاده شود.

حال باید دید در قانون فعلی آیین دادرسی کیفری جایگاهی که مقنن برای سازمان‌های مردم‌نهاد بیان کرده چیست؟ هرچند در لایحه آیین دادرسی کیفری و حتی در ماده (۶۶) آیین دادرسی کیفری، قبل از اصلاحات ۱۳۹۴/۳/۲۴ با توجه به نقش‌هایی که مقنن برای سازمان‌های مردم‌نهاد در ماده (۶۶) مقرر کرده بود در واقع می‌توان گفت سازمان‌های مردم‌نهاد به منزله شاکی (نقش بینابین شاکی و اعلام‌کننده) تلقی می‌شدند چرا که این سازمان‌ها از اختیارات زیر برخوردار بودند:^۱

الف) حق طرح و اقامه دعوی البته در جرائمی که مرتبط با زمینه‌های ذکر شده در ماده (۶۶) و مرتبط با اساسنامه این سازمان‌ها باشد.

ب) در تمام جلسات دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت کنند.

ج) نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند.

اما در سال ۱۳۹۴ ماده (۶۶) اصلاح شد و عبارت‌های «جهت اقامه دلیل» و «می‌توانند نسبت به آراء قضایی اعتراض کنند» از صدر ماده حذف شد. به عبارت دیگر هرچند قبل از اصلاحات سال ۱۳۹۴ مقنن در ماده (۶۶) اختیارات خوبی به سازمان‌های مردم‌نهاد اعطا کرده بود اما باز هم مقنن در همان زمان احتیاط کرده و لفظ شاکی را برای این سازمان‌ها

۱. ماده (۶۶) لایحه مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ پیش از اصلاحیه ۱۳۹۴/۳/۲۴ بدین قرار بود: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند».

ماده (۶۶) فوق پس از اصلاحیه مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ به این شرح اصلاح شد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند».

در متن ماده استفاده نکرده بود. البته این احتیاط در اصلاحات سال ۱۳۹۴ بیشتر شده به نحوی که عبارت‌های فوق‌الذکر از متن ماده (۶۶) حذف گردیده و به نظر اختیارات این سازمان‌ها کمتر شده است. حذف عبارت‌های فوق از متن ماده ابهامات این ماده را در زمینه نقش این سازمان‌ها در فرایند کیفری افزایش داده است. سؤال این است که آیا منظور مقنن از وضع ماده (۶۶) به‌ویژه بعد از اصلاحات آن در سال ۱۳۹۴ این بوده که سازمان‌های مردم‌نهاد را به‌عنوان «اعلام‌کننده جرم» مطرح کند یا مراد مقنن از وضع ماده (۶۶) اعطای اختیارات بیشتری به اعلام‌کننده بوده و خواسته است این سازمان‌ها به «منزله شاکی» قلمداد شوند؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت با توجه به مقررات آیین دادرسی کیفری اعلام‌کننده جرم فرد ثالثی است که به‌صورت مستقیم بزه‌دیده جرم واقع نشده است و اگر جرم، قابل‌گذشت نباشد تحت شرایط مقرر در ماده (۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند اعلام جرم کرده و دادستان موظف به تعقیب جرم خواهد بود. با توجه به بند «ب» ماده (۶۴) قانون آیین دادرسی کیفری که در مقام بیان جهات تعقیب است، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، از جهات شروع به تعقیب محسوب شده و دادستان مکلف به تعقیب است؛ لذا همه شهروندان جامعه و اشخاص حقیقی و حقوقی به‌عنوان اعلام‌کننده جرم می‌توانند در فرایند کیفری شرکت داشته باشند. بنابراین در اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند اعلام‌کننده جرم باشند اختلافی نیست، حال سؤال اینجاست که آیا می‌توان وصف شاکی را به سازمان‌های مردم‌نهاد اعطا کرد؟ البته شناسایی وصف شاکی برای این سازمان‌ها دارای آثار و نتایج متعددی است از جمله اینکه قاضی وظیفه دارد در همه جلسات این سازمان‌ها را دعوت کند، این سازمان‌ها می‌توانند به همه آراء و قرارهای مقام قضایی اعتراض کنند اینک در مرحله تجدیدنظر خواهی دارای حقوقی هستند، اینکه حق دسترسی به اوراق پرونده را دارند اینک حق اقامه دلیل داشته باشند اینک در تمام مراحل رسیدگی حق شرکت داشته باشند و غیره. از نظر تطبیقی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ذیل ماده (۲)، نحوه مشارکت انجمن‌هایی که می‌توانند وارد فرایند کیفری شوند در چندین بند مشخص شده و در خیلی از موارد حقوق شاکی به این انجمن‌ها واگذار شده است.

به دلایل ذیل می‌توان گفت مراد مقنن با تصویب ماده (۶۶) (هرچند این ماده اصلاح و برخی از اختیارات این سازمان‌ها حذف شد) برقراری جایگاهی فراتر از اعلام‌کننده جرم برای سمن‌ها بوده اگرچه تمام حقوق شاکی را به آنها اعطا نکرده است:

۱. قبل از معرفی سمن‌ها در ماده (۶۶)، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانستند به استناد بند «ب» ماده (۶۴) قانون آیین دادرسی کیفری اعلام جرم کنند بنابراین اگر مراد مقنن از ماده (۶۶)، صرفاً بیان جایگاه اعلام‌کنندگی جرم برای سمن‌ها بود نیازی به وضع ماده (۶۶) نبود به عبارت دیگر اعلام‌کننده خاص نیاز به تصریح نداشت زیرا مقنن در بند «ب» ماده (۶۴) می‌گوید: «همه اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) می‌توانند با اعلام جرم در فرایند کیفری مشارکت کنند».

۲. با توجه به تبصره «۴» ذیل ماده (۶۶) که جایگاه سمن‌ها را در جرائم منافی عفت بیان می‌کند و مقرر می‌دارد که اعلام جرم توسط سمن‌ها در جرائم منافی عفت با رعایت شرایط ماده (۱۰۲) می‌باشد و سمن‌ها می‌توانند در این جرائم اقامه دلیل کنند وقتی مقنن در جرائم منافی عفت پذیرفته که در جریان دادرسی، سمن‌ها می‌توانند اقامه دلیل کنند پس در سایر جرائم به طریق اولی این حق را دارند.

۳. آیا مراد مقنن از عبارت «... سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند» صرفاً حضور به‌عنوان تماشاچی است، مسلماً پاسخ منفی است زیرا حضور سمن‌ها در مراحل دادرسی نیاز به تصریح نداشت زیرا طبق ماده (۳۵۲) قانون آیین دادرسی کیفری اصولاً محاکمات علنی است و همه افراد حق حضور دارند. بنابراین با وجود ماده (۳۵۲) عبارت ذکر شده در صدر ماده (۶۶) مبنی بر اینکه: «سمن‌ها حق شرکت در تمام مراحل دادرسی را دارند» بی‌معنا خواهد بود و ضمناً عبارت فوق (در تمام مراحل دادرسی) دلالت بر این می‌کند که شرکت سمن‌ها از دادسرا شروع شده و تا دادگاه ادامه دارد.

۴. شاید بتوان گفت حذف عبارت «حق اقامه دلیل» در صدر ماده (۶۶) به این علت بوده که وقتی فقط قید شود «شرکت در مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل» سمن‌ها هنگام شرکت در جلسات دادرسی فقط محدود به ارائه دلیل می‌باشند و اختیار دیگری ندارند ولی در حال حاضر با حذف این عبارت، اختیارات سمن‌ها هنگام شرکت در دادرسی فقط محدود به اقامه

دلیل نیست و اختیارات دیگری نیز دارند. مضافاً اینکه وقتی مقنن در ماده (۶۶) لفظ «شرکت» را به جای لفظ «حضور» استفاده کرده با توجه به بار حقوقی که لفظ «شرکت» دارد به نظر می‌رسد تمام اختیارات از جمله حق اعتراض از این کلمه استفاده می‌شود.

۵. در خصوص اینکه چرا حق اعتراض از سمن‌ها گرفته شده است شاید بتوان گفت اعتراض به آراء دادگاه‌ها از جنبه عمومی را اگر یک اقدام تعقیبی بدانیم در صلاحیت دادستان خواهد بود و نه شاکی، زیرا در بند «ج» تبصره «۵» ماده (۲۰) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب آمده بود: «مدعی خصوصی یا نماینده قانونی وی از جهت ضرر و زیان می‌تواند نسبت به رأی دادگاه کیفری استان اعتراض کند». بنابراین اگر حق اعتراض برای نهادهای مردم‌نهاد در صدر ماده (۶۶) حذف شده شاید به دلیل این موضوع بوده که این نهادها در امر تعقیب دخالت نداشته باشند. در نهایت شاید بتوان گفت که سمن‌ها این اختیار را دارند که نسبت به آراء دادگاه‌ها از حیث ضرر و زیان اعتراض کنند چون این جنبه متعلق به شاکی است. برخی عقیده دارند با توجه به لحن مقنن در ماده (۶۶) قانون جدید آیین دادرسی کیفری برداشت می‌شود که اختیارات ذکر شده برای سازمان‌های مردم‌نهاد جنبه حصری دارد و نمی‌توان خارج از این موارد اختیار دیگری برای این سازمان‌ها در نظر گرفت (کوشکی، ۱۳۹۲: ۷۵).

۶. از مفاد تبصره «۲» ذیل ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلف‌اند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوط آگاه کنند» چنین برداشت می‌شود نقش سازمان‌های مردم‌نهاد صرفاً اعلام جرم نیست زیرا اگر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد محدود به اعلام جرم بود این موضوع نیازی به اطلاع‌رسانی نداشت.

نقش دیگری که در فرایند کیفری می‌توان برای سازمان‌های مردم‌نهاد در نظر گرفت، نقش قیمومت برای اشخاص محجور است. هر چند شاید گفته شود که قیمومت، اختیارات و وظایف ناشی از آن اموری است که به اشخاص حقیقی وابسته است و اشخاص حقوقی نمی‌توانند به این سمت دست پیدا کنند، البته چون بیشتر وظایف قیم ناظر به اداره اموال مولی علیه می‌باشد ممکن است قیمومت را به یک شخص حقوقی واگذار کرد (همان: ۷۷).

۴. شرایط مداخله سمن‌ها در فرایند کیفری

اگر سازمان‌های مردم‌نهاد بخواهند به استناد بند «ب» ماده (۶۴) قانون آیین دادرسی کیفری (اعلام و اخبار اشخاص موثق و مطمئن) یعنی به‌عنوان اعلام‌کننده عام در فرایند کیفری وارد شوند می‌بایست شرایط مقرر در ماده (۶۵) و بند «ب» ماده (۶۴) قانون آیین دادرسی کیفری را داشته باشند یعنی:

۱. این نهادها مورد وثوق و اطمینان باشند (بند «ب» ماده (۶۴))،

۲. جرم غیرقابل گذشت باشد،

۳. اعلام‌کننده شاهد وقوع جرم باشد،

۴. اگر اعلام‌کننده شاهد وقوع جرم نباشد در دو صورت می‌توان شروع به تعقیب کرد: الف) دلیل بر صحت ادعا وجود داشته باشد، ب) یا جرم از جرائم علیه امنیت داخل یا خارجی باشد،

۵. قرائن و امارتی مبنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد.

اگر این سازمان‌ها بخواهند در قالب ماده (۶۶) وارد فرایند کیفری شوند (که به‌نظر اختیارات بیشتری نسبت به اعلام‌کننده صرف دارند) اولین سؤال این است که آیا سازمان‌های مردم‌نهاد محدودیت‌های ماده (۶۵) را که برای اعلام‌کننده عام در نظر گرفته شده بایستی رعایت کنند؟ و دومین سؤال این است که برای اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد بتوانند طبق ماده (۶۶) وارد فرایند کیفری شوند چه شرایطی لازم است؟ در پاسخ این سؤال باید گفت که مقنن شرایطی را در این ماده و چهار تبصره آن مقرر کرده و از این شرایط استنباط می‌شود که هر سازمان مردم‌نهادی نمی‌تواند به‌شرح این ماده اقدام کند. این شرایط به‌شرح ذیل است:

۱. اولین شرط علاوه بر اجازه تأسیس (طبق تبصره «۱» ماده (۱۴) آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۹۵) طبق ماده (۲۹) این آیین‌نامه پروانه فعالیت کسب، اخذ و آن را به ثبت رسانده باشند تا نهایتاً دارای حقوق مندرج در ماده (۲۹) آیین‌نامه فوق‌الذکر شوند.

۲. به‌موجب اساسنامه در یکی از موضوع‌های مقرر در ماده (۶۶) اجازه فعالیت داشته باشند و در همان حوزه مربوطه مداخله کنند. این زمینه‌ها حصری هستند نه تمثیلی و دو

دسته جرائم را پوشش می‌دهند یکی جرائم بدون بزه‌دیده، مثل جرائم علیه محیط زیست و دیگری جرائم با بزه‌دیدگان خاص، مثل کودکان و زنان (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

۳. به موجب تبصره «۳» اصلاحی طبق بند «پ» ماده (۳۸) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانون ذی‌ربط معزول اخذ کنند...».

۴. طبق تبصره «۱» ماده (۶۶) اگر جرم دارای بزه‌دیده خاص باشد کسب رضایت وی جهت اقدام ضروری است و اگر بزه‌دیده، طفل، مجنون، یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او باید اخذ شود، و اگر قیم یا سرپرست قانونی خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

شرط مذکور در تبصره «۱» ماده (۶۶) این سؤال را مطرح می‌کند که آیا کسب رضایت بزه‌دیده یا قیم یا سرپرست یا قیم اتفاقی، هم در جرائم قابل گذشت و هم در جرائم غیرقابل گذشت برای اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد ضروری است؟ در پاسخ باید گفت مسلماً کسب اجازه و رضایت در جرائم قابل گذشت با تصریح ماده (۷۰ و ۷۱) برای اقدامات نهادهای مردم‌نهاد ضروری است و در جرائم غیرقابل گذشت که جنبه عمومی بر جنبه خصوصی غلبه دارد برای اعلام‌کننده عام (بند «ب» ماده (۶۴)) نه تنها ضروری نیست بلکه طبق اصول و قواعد کلی، جرائم غیرقابل گذشت جرائمی است که برای تعقیب آنها اجازه شاکی نیاز نیست و گذشت شاکی موجب موقوفی تعقیب نمی‌شود. اما بحث تشریفات ماده (۶۶) متفاوت است زیرا سازمان‌های مردم‌نهاد فقط اعلام‌کننده صرف نیستند و در واقع «به‌منزله شاکی» تلقی می‌شوند و نوعی همراهی با بزه‌دیده در فرایند کیفری دارند و اگر فلسفه و مبنای ماده (۶۶) را حمایت از بزه‌دیده بدانیم پس لاجرم می‌بایست این سازمان‌ها برای همراهی و حمایت خود، رضایت بزه‌دیده حتی در جرائم غیرقابل گذشت کسب کنند (کوشکی، ۱۳۹۲: ۸۲). برخی عقیده دارند، اذن مورد نظر در تبصره «۱» ماده (۶۶) مربوط به اقدامات بعد از اعلام جرم است یعنی اعلام جرم، نیاز به اذن ندارد ولی پیگیری نیاز به اذن دارد و ضمناً

منظور از بزه‌دیده خاص مذکور در تبصره فوق، بزه‌دیده معین است و دلالتی بر انحصار حکم تبصره فوق به جرائم قابل گذشت ندارد (خالقی، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۱۰۱).

۵. سازمان‌های مردم‌نهاد طبق تبصره «۴» ماده (۶۶) در جرائم منافی عفت اولاً بایستی با رعایت شرایط ماده (۱۰۲) و تبصره‌های آن اقدامات خود را انجام دهند ثانیاً در این جرائم، سازمان‌های مردم‌نهاد حق شرکت در جلسات را ندارند.

۵. ابهامات و اشکالات ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری و چهار تبصره آن

ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری و چهار تبصره آن یکی از سازوکارهای مهم برای تحقق سیاست جنایی مشارکتی است اما با توجه به اینکه استفاده از تشکل‌های مردمی برای اولین بار در قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲ استفاده شده و به عبارت دیگر این نهاد یک نهاد نوپا محسوب می‌شود مسلماً در حوزه تقنین، این نهادها دچار اشکالاتی هستند خصوصاً آنکه با اصلاحاتی که مقنن در سال ۱۳۹۴ و قبل از اجرایی شدن قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه ماده (۶۶) انجام داد و عباراتی را از این ماده حذف کرد اشکالات و ابهامات این ماده بیشتر شد. در ذیل سعی می‌شود به ابهامات و اشکالات ماده (۶۶) و چهار تبصره آن پرداخته شود:

۱. قانونگذار مصادیق مندرج در صدر ماده (۶۶) را به صورت حصری استفاده کرده نه تمثیلی، محصور کردن حضور سمن‌ها در فرایند کیفری نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های ذکر شده در صدر ماده (۶۶) که مجموعاً هشت مورد می‌باشند (اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی، حمایت از حقوق شهروندی) با توجه به اینکه مبنای حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری هم حمایت از حقوق بزه‌دیدگان (به‌ویژه بزه‌دیدگان خاص) و هم حمایت از منافع عمومی و حمایت از دادستان رسمی یا همان دادستان عمومی است باعث می‌شود که سمن‌ها نتوانند نسبت به جرائمی که در زمینه‌های دیگر به بزه‌دیدگان خاص آسیب می‌زند یا جرائم دیگری که از نظر دادستان مغفول واقع می‌شود دادخواهی کرده و نقش حمایتی خود را ایفا کنند. از نظر تطبیقی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در ماده (۲) زمینه‌های گسترده‌تری را از جمله مبارزه با تبعیض نژادی و کمک به بزه‌دیدگان تبعیض،

خشونت‌های جنسی و خانوادگی، جنایات علیه بشریت یا جنایت جنگی، جرائم جاده‌ای، حمایت از حیوانات، حمایت از زبان فرانسه، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی و امثال آنان برای حضور انجمن‌ها یا همان سازمان‌های مردم‌نهاد جهت مشارکت در فرایند کیفری مقرر کرده است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۵۶۲).

۲. یکی از اشکالات تبصره «۳» ذیل ماده (۶۶) و حتی آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۹۵ این است که شرایط و ویژگی‌های لازم برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی را در فرایند مشخص نکرده است. این موضوع موجب عدم حاکمیت قانون و برخورد سلیقه‌ای با این مسئله می‌شود. از نظر تطبیقی در ماده (۲) قانون آیین دادرسی فرانسه یکی از شروط مقدماتی برای شرکت در فرایند کیفری توسط انجمن‌ها، داشتن سابقه حداقل دو، سه یا پنج سال فعالیت مستمر است یعنی با گذشت این مدت توانایی و اهلیت لازم به‌منظور حضور در فرایند کیفری برای سمن‌ها مشخص می‌شود (کوشکی، ۱۳۹۲: ۷۹) در حالی که نه در ماده (۶۶) و نه در آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۳ مشارکت در فرایند دادرسی برای سازمان‌های مردم‌نهاد مقید به دوره زمانی خاصی نشده است. بنابراین برداشت می‌شود که نهادهای مردم‌نهاد با هر سابقه فعالیت می‌توانند در جرائم مختلفی که قانون به آنها اجازه داده مداخله کنند. این موضوع با توجه به متفاوت بودن عرصه‌های مختلفی که ماده (۶۶) اجازه مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در آن داده شده و با توجه به نوپا بودن این سازمان‌ها و عدم تجربه این سازمان‌ها و همچنین با توجه به مفاد تبصره «۴» ماده (۶۶) در بحث جرائم منافی عفت که مقنن اصول خاصی را برای مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد قائل شده سازگاری ندارد. البته تبصره «۳» ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری به‌موجب بند «پ» ماده (۳۸) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ به‌شرح زیر اصلاح شده است: «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به‌طور قطعی رد شود برای یک سال از استفاده از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون ذکر شده محروم می‌شوند».

۳. اشکال دیگر از حیث عدم تعیین نقش و سمت این سازمان‌ها جهت شرکت در فرایند

کیفری است. توضیح اینکه مقنن در ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری از عبارت‌های (اعلام جرم، شرکت در تمام مراحل دادرسی، اقامه دلیل در جرائم منافی عفت) و در ماده (۲۹) آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد از کلمه (دادخواهی) استفاده کرده است. نهایت اینکه معلوم نیست آیا نقش این سازمان‌ها صرفاً اعلام‌کننده جرم بوده یا می‌توان نقش شاکی را برای آنان قائل شد به نظر می‌رسد مراد مقنن اعطای نقش بینابین اعلام‌کننده و شاکی به این سازمان‌ها بوده است. در هر صورت به جای استفاده کلمات کلی مثل «دادخواهی» و «شرکت» اگر صراحتاً برخی از حقوق شاکی را مثل قانون فرانسه به این سازمان‌ها می‌داد بهتر بود.

برخی نویسندگان از عنوان «اعلام‌کننده فعال» در مقابل «اعلام‌کننده صرف» برای سمت سمن‌ها استفاده کرده‌اند (خالقی، ۱۳۹۵: ۶۲). یعنی سازمان‌های مردم‌نهاد، حق اعلام جرم دارند و نه شکایت زیرا آنها بزه‌دیده نیستند تا در مقام شاکی حاضر شوند، ضمن اینکه اعلام جرم نیازمند ابطال تمبر مربوط به هزینه شکایت کیفری نیست بنابراین این سازمان‌ها حق معرفی نماینده جهت حضور در دادسرا و دادگاه، حق دریافت احضارنامه برای شرکت در جلسات، حق اظهارنظر و حق ارائه دلیل در مرجع قضایی را دارند (همان: ۱۰۰). درخصوص نقش این سازمان‌ها در فرایند کیفری برخی معتقدند که کلمه «شرکت» مفهوم حقوقی خاص داشته و اشاره به نقشی فعال دارد و با کلمه «حضور» که اشاره به نقشی انفعالی دارد متفاوت است یعنی از کلمه «شرکت» استنباط می‌شود که نماینده سمن‌ها می‌تواند در جلسه تحقیق یا رسیدگی دلایل خود را ارائه و مطالب خود را اظهار کند و تنها محدودیت مربوط به جرائم منافی عفت است که به موجب تبصره «۴» ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری این سازمان‌ها فقط دلایل خود را ارائه می‌دهند ولی از حق حضور نماینده خود در جلسات رسیدگی محروم شده‌اند (کوشکی، ۱۳۹۲: ۷۹).

۴. اشکال دیگر از حیث نحوه مشارکت است، به این معنا که اگر این سازمان‌ها در همه مراحل دادرسی حق شرکت دارند و همه مراحل دادرسی هم شامل دادسرا و هم دادگاه می‌شود، با توجه به حاکم بودن سیستم تفتیشیه در دادسرا نحوه مداخله و شرکت این سازمان‌ها در دادسرا چگونه خواهد بود؟ همچنین در بحث شرکت در مرحله دادرسی در دادگاه آیا منظور از شرکت، صرف حضور است؟ یا اینکه دادگاه باید گفته‌های کتبی و

شفاهی آنها را ثبت و ضبط کرده و به آن ترتیب اثر دهد؟ آیا دادگاه ملزم به دعوت این سازمان‌ها در جلسه دادرسی است یا خیر؟ آیا این سازمان‌ها می‌بایستی شرایط مذکور در ماده (۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری را که مقنن برای اعلام‌کننده جرم برشمرده است از جمله اینکه اعلام‌کننده شاهد وقوع جرم باشد و غیره را رعایت کنند یا خیر؟ همچنین در تبصره «۱» ماده (۶۶) مقرر شده است که اگر جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص است کسب رضایت وی جهت اقدام ضروری است. حال سؤال اینجاست که این کسب رضایت هم در جرائم قابل گذشت و هم جرائم غیرقابل گذشت باید اخذ شود؟ و اگر پاسخ مثبت است تحلیل آن چیست؟

برخی نویسندگان اعتقاد دارند اولاً، اذن مورد نظر در تبصره «۱» ماده (۶۶) را باید تنها ناظر به اقدامات بعد اعلام جرم، یعنی شرکت در فرایند دادرسی دانست. پس اگر بزه‌دیده، ولی، قیم یا سرپرست قانونی او به سازمان‌های مردم‌نهاد، اجازه اقدام براساس این ماده را ندادند این امر مانع از این نخواهد بود که سازمان‌های مذکور همانند سایر شهروندان نسبت به اعلام جرم به دادستان اقدام کنند در این صورت این سازمان‌ها حق پیگیری نخواهند داشت. ثانیاً، منظور از بزه‌دیده خاص در تبصره «۱» ماده (۶۶) قانون فوق، بزه‌دیده معین یا قابل تعیین است و دلالتی بر انحصار حکم تبصره «۱» به جرائم قابل گذشت ندارد. ثالثاً، با توجه به ماهیت قابل عدول اذن، به نظر می‌رسد اذن بزه‌دیده خاص، ولی، قیم یا سرپرست قانونی او به سازمان‌های مردم‌نهاد نیز قابل عدول است (خالقی، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۱۰۱).

۵. یکی از ویژگی‌های تشکل‌های مردم‌نهاد، از یک‌طرف همان‌گونه که در تبصره ذیل ماده (۱) آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد آمده است «غیردولتی بودن» این نهادهاست. منظور از غیردولتی بودن طبق همین تبصره، عدم وابستگی به دولت و نهادهای حاکمیتی و عدم دخالت دولت و نهادهای حاکمیتی در تأسیس، اداره، استمرار و همچنین عدم فعالیت مقامات، مسئولان، کارکنان دولتی و نهادهای حاکمیتی با استفاده از جایگاه حقوق فرد به‌عنوان مؤسس یا عضو است. از طرف دیگر در تبصره «۳» اصلاحی ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری اعلام شده است: به‌موجب تبصره «۳» اصلاحی طبق بند «پ» ماده (۳۸) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ «سازمان‌های مردم‌نهاد در

صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند...».

مسئلاً اعلام اسامی این نهادها از سوی وزیر دادگستری و وزیر کشور و تصویب رئیس قوه قضائیه که همه از مسئولان حکومتی هستند با خصیصه غیردولتی بودن این نهادها مغایرت دارد. به عبارت دیگر شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی در راستای تحقق بخشیدن به حقوق شهروندی و حمایت از مطالبات قانونی آنها و نیز نیازهای جوامع بشری است که تحقق این هدف دارای الزاماتی است که از جمله مهم‌ترین آنها حفظ استقلال این مؤسسات است. شیوه تأسیس، نظارت و انحلال این سازمان‌ها و میزان دخالت و ورود دولت در هر کدام از این مراحل می‌تواند بیانگر میزان استقلال این نهادهای مدنی باشد.

در خصوص انتظام امور سازمان‌های غیردولتی سه الگوی پیشگیرانه از نوع اجازه قبلی، پیشگیرانه از قسم اعلام قبلی و نظام تعقیبی قابل تصور است که کشور ایران از نظام پیشگیرانه از نوع اجازه قبلی و فرانسه از نظام پیشگیرانه از قسم اعلام قبلی و سوئیس از نظام تعقیبی تبعیت می‌کند (راعی و عطریان، ۱۳۹۳: ۳۷۹).

در نظام پیشگیرانه از نوع اجازه قبلی شروع فعالیت اشخاص مشروط به انجام اقداماتی است که از سوی قانونگذار مشخص شده است؛ یعنی مقام یا دستگاه اداری مربوطه پس از مطالعه و بررسی موضوع درخواست شده با در نظر گرفتن موازین قانونی و مصلحت عمومی مبادرت به صدور مجوز می‌کند یا از صدور آن خودداری می‌کند (طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۰: ۲۵۹). این شیوه جامعه را به سوی نظامی هدایت شده سوق می‌دهد و ممکن است بستر سوءاستفاده نیز فراهم شود. به این ترتیب که مقام یا دستگاه اداری ذی‌صلاح، شیوه تبعیض آمیزی را در پیش گیرد و صرفاً برای وفاداران و طرفداران خود مبادرت به صدور مجوز کند و از صدور پروانه برای دیگران خصوصاً سازمان‌هایی که حامی حقوق شهروندان بوده و منتقد حکومت می‌باشند خودداری کند.^۱

۱. در ماده (۱۴) آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد و تبصره ذیل آن و ماده (۲۹) این آیین‌نامه صحبت از اجازه تأسیس و همچنین برنامه فعالیت و به ثبت رسانیدن این سازمان‌ها شده است. به عبارت دیگر طبق ماده (۲۹) آیین‌نامه، تشکل‌ها پس از دریافت پروانه فعالیت و ثبت آن، از حقوق مصرحه در این ماده برخوردار می‌شوند. همچنین طبق مواد (۸) و (۹) و (۱۲) ←

۶. یکی دیگر از اشکالات تبصره «۳» ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مسئله «تصویب لیست سمن‌ها در سه‌ماهه اول هر سال توسط رئیس قوه قضائیه» است. به‌موجب تبصره «۳» اصلاحی طبق بند «پ» ماده (۳۸) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط معذور اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به‌طور قطعی رد شود برای یک سال از استفاده از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون ذکر شده محروم می‌شوند». شبیه این موضوع در تبصره ماده (۴۸) قانون آیین دادرسی کیفری با این عبارت که: «... در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد انتخاب می‌نمایند، اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد» ذکر شده است.

توضیح اینکه یکی از اشکالاتی که جرم‌شناسان نسبت به نظریه سزادهی مطرح می‌کنند این مسئله است که در این نظریه، دولت‌ها حق بزه‌دیده و حتی حق جامعه را به نفع خود مصادره کرده و جایگاه بزه‌دیده را در حد یک اعلام‌کننده جرم تقلیل می‌دهند و دولت‌ها سعی می‌کنند همه چیز به تأیید و تصویب آنها رسیده و در جهت منافع آنها اجرا شود. از نظر سیاسی نیز تقریباً می‌توان گفت نگاه دولت‌ها به مردم و نهادهای اجتماعی دو گونه است برخی دولت‌ها تحمل تقسیم قدرتشان را با مردم ندارند. این دولت‌ها معتقدند که مردم بالغ نیستند، مردم باید مهار شوند، مردم باید در چارچوب باشند، مردم همیشه باید تأیید و تصویب شوند (دولت‌های اقتدارگرا). برعکس برخی دولت‌ها اعتقاد دارند که مردم غریبه نیستند، مردم بالغ‌اند، مردم هم‌وزن دولت هستند، بنابراین مردم و نهادهای اجتماعی در عرصه‌های مختلف می‌توانند حضور فعال داشته باشند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً، کم شدن

→ آیین‌نامه، تشکل‌های مردم‌نهاد اجازه تأسیس و صدور پروانه فعالیت و نظارت بر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد به‌ترتیب در اختیار شورای ملی و شورای استانی و شورای شهرستانی است که متشکل از چندین عضو حکومتی و فقط چند نماینده منتخب از تشکل‌های مردم‌نهاد می‌باشد. همچنین طبق ماده (۳۴) آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد شورای ملی انحلال تشکل متخلف را از دادگاه صالح، درخواست می‌کند.

اختیارات سمن‌ها در اصلاحات سال ۱۳۶۴ قانون آیین دادرسی کیفی و ثانیاً، مسئله تصویب آنها در سه‌ماهه اول هر سال از طرف رئیس قوه قضائیه نشانگر این موضوع است که متولیان امر مایل هستند فرایند کیفی در بستری کاملاً رسمی و دولتی شکل گیرد. اگر سمن‌ها شناسنامه‌دار باشند و بپذیریم که آنها نه تنها دشمن دادستان عمومی یا رسمی نیستند بلکه حتی می‌توانند به‌عنوان دادستان خصوصی یار و همکار دادستان عمومی باشند و نقش مهمی در سیاست جنایی مشارکتی ایفا کنند؛ دیگر لازم نیست در سه‌ماهه اول هر سال به تأیید و تصویب رئیس قوه قضائیه برسند به‌ویژه که تأیید و تصویب این معنا را به ذهن متبادر می‌کند که سمن‌ها باید مهار شوند ضمن اینکه تصویب شدن آنها این شبهه را ایجاد می‌کند که سمن تأیید شده فقط از منافع فرد تأییدکننده دفاع خواهد کرد.

۷. عدم تعیین ضمانت اجرای لازم برای تخطی سمن‌ها، یکی دیگر از مشکلات مشارکت آنها در فرایند کیفی است. توضیح اینکه از آنجاکه این نهادها غیردولتی هستند و در واقع دولت به لحاظ سلسله‌مراتب، نقشی در تصمیمات و اقدامات آنها ندارد این امکان وجود دارد که سمن‌ها از انجام وظیفه خود در قبال مجرم خارج شوند. مثلاً ممکن است این سازمان‌ها با مجرم، تبانی کرده و با گرفتن پول وی را از مجازات فراری داده همچنین ممکن است این سازمان‌ها برای تأمین و نیل به اهداف و مقاصد خود به برخی اشخاص، اتهام‌واهی بزنند و دست‌کم برای از میدان خارج کردن رقبای خود مسیر عدالت را منحرف کنند هرچند در این مرحله از سیاست جنایی مشارکتی، مبنای عملکرد، اعتماد است اما نباید از امکان فساد و سوءاستفاده این نهادها به‌سادگی عبور کرد (شيعه‌علی، زارع و زارع، ۱۳۹۴: ۳۰۷).

۸. یکی دیگر از اشکالات ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفی و آیین‌نامه آن عدم تعیین اتحادیه یا مجمعی برای هماهنگی و نظارت درون‌گروهی بر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد است. اینکه همه سمن‌های فعال در یک عرصه بتوانند جداگانه در یک موضوع ورود کرده و بخواهند در فرایند یک دادرسی نقش داشته باشند قابل تصور نیست، بنابراین بهتر است سمن‌ها برای اعمال حقوق خود اتحادیه و مجمع تشکیل داده تا هم از تبعیض‌های احتمالی جلوگیری کنند و هم با افزایش توانمندی فکری و مالی سازمان‌های

غیردولتی پشتوانه محکمی برای حمایت از خود و اهداف از قبل پیش‌بینی شده، داشته باشند (وروی، محمدی و نوریان، ۱۳۹۵: ۴۰).

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از ارکان اصلی حکومت دموکراسی، مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری و اداره کشور است، اما مردم مستقیماً و بدون ایجاد تشکل‌های مدنی (به دلایل مختلف از جمله ضعف و ناتوانی و دسترسی نداشتن به مقامات حکومتی یا نداشتن اطلاعات لازم) قادر به مشارکت در اداره کشور نیستند. بنابراین امروزه سازمان‌های غیردولتی یکی از بازیگران مهم عرصه داخلی و بین‌المللی محسوب می‌شوند، دولت‌ها نیز دریافته‌اند ظرفیت‌های مردمی نقش بارزی در توسعه پایدار ایفا می‌کنند لذا همکاری دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند تضمین‌کننده توسعه پایدار در زمینه‌های مختلف باشد.

مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری در نظام حقوقی ایران هرچند در حال حاضر یک نوآوری محسوب می‌شود، اما می‌توان گفت پذیرش مشارکت این سازمان‌ها در فرایند کیفری گام مهمی برای تحقق حقوق بزه‌دیده و تحقق اصل کشف جرم با توجه به الگوی نظام عدالت ترمیمی است.

علاوه بر ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری که در مبحث «تعقیب دعوی عمومی» آمده از مجموع مواد آیین دادرسی کیفری می‌توان دریافت که مراد مقنن از معرفی و مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری علاوه بر تحقق سیاست جنایی مشارکتی (هم در جنبه کنشی و هم در جنبه واکنشی آن)، تحقق «اصول دادرسی منصفانه» و همچنین تحقق اصل کشف حقیقت (که از اصول راهبردی حمایت از حقوق جامعه است) و اصل حقوق دفاعی (که از اصول راهبردی حمایت از حقوق افراد محسوب می‌شود) است. برای اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد بتوانند رسالت خود را محقق سازند باید بتوانند حقوق بزه‌دیده را هم در مرحله «شناسایی» (برای پذیرش بزه‌دیده در نظام عدالت کیفری جهت احقاق حق وی) و هم در مرحله «همراهی و حمایت» (برای آگاهی از فرایند کیفری و تضمین امنیت وی در این مسیر) هم در مرحله «جبران خسارت» (برای ترمیم و جبران آسیب‌ها و خسارت‌های

وارد بر وی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی و ناملایمات ثانوی و حفظ کرامت و ارزش انسانی وی) شناسایی کرده و به‌نحو مطلوب نقش خود را در هر سه زمینه ایفا کنند.

برای مشارکت بهتر سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفی صرف ماده (۶۶) و آیین‌نامه آن و برخی مقررات پراکنده مربوط به مشارکت سازمان‌های غیردولتی وافی به مقصود نبوده و وجود یک قانون مستقل و جامع ضروری است که شرایط تأسیس و فعالیت سمن‌ها به‌ویژه در خصوص مشارکت واکنشی این سازمان‌ها را تسهیل کند، زیرا برنامه‌های پیشگیری و واکنشی در فرایند کیفی به‌طور کلی در بستری کاملاً رسمی و دولتی شکل گرفته و جایگاه مناسبی برای سازمان‌های غیردولتی در نظر گرفته نشده است. از طرفی برگزاری دوره‌های آموزشی لازم برای سمن‌ها جهت شکل‌گیری سیاست‌جنایی مشارکتی ضروری به‌نظر می‌رسد؛ مضافاً اینکه مطالعه تطبیقی و استفاده از رهیافت‌های نظام‌های دیگر کشورها، نقاط قوت و ضعف نهاد حقوقی را مشخص می‌کند و می‌تواند کمک شایانی به قانونگذار برای اصلاح و کامل کردن مقررات موجود کند.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، پیمان (۱۳۸۴). «بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران»، مجله حقوق دادگستری، ش ۵۲ و ۵۳.
۲. امیر کواسمی، ایوب (۱۳۸۸). «علل رشد فزاینده سازمان‌های غیردولتی»، سیاست خارجی، وزارت امور خارجه، ش ۸۸.
۳. حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳). سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت.
۴. خالقی، علی (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، چاپ ۳۳، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.
۵. _____ (۱۳۹۶). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.
۶. دهستانی اسفندآبادی، حسین (۱۳۸۶). «همکاری دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه»، مجله برنامه، ش ۲۱۸.
۷. راعی، مسعود و فرامرز عطریان (۱۳۹۳). «استقلال سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران، فرانسه و سوئیس»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، ش ۲.
۸. رضایی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). «پیشگیری و سرکوب جرائم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۵.
۹. _____ (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه، از تأسیس تا فعالیت»، مطالعات حقوق تطبیقی، ش ۱۰.
۱۰. زینالی، امیر و محمدباقر مقدسی (۱۳۹۱). «حق بزه دیده بر امنیت و اطلاع‌رسانی در فرایند کیفری»، تحقیقات حقوقی، ش ۵۷.
۱۱. ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۲). «تقریرات درس آیین دادرسی کیفری»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.
۱۲. _____ (۱۳۸۵). «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۶ و ۵۷.
۱۳. شیعه‌علی، علی، وحید زارع و مجتبی زارع (۱۳۹۴). «جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، دوره ۲، ش ۴ و ۵.

۱۴. طباطبائی مومنی، منوچهر (۱۳۹۰). *حقوق اداری*، چاپ شانزدهم، تهران، سمت.
۱۵. طهماسبی، جواد (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، تهران، بنیاد حقوق میزان.
۱۶. قیانچی، حسام و حمیدرضا دانش‌ناری (۱۳۹۱). «الگوهای دوگانه فرایند کیفری کنترل جرم و دادرسی منصفانه»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، سال دوم، ش ۴.
۱۷. قربانیان، حسین و مجید هراتیان نژادی (۱۳۹۰). «نقش نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی در پیشگیری از وقوع جرم»، *ماهنامه کانون - کانون سر دفتران و دفتر یاران*، ش ۱۱۶.
۱۸. کاترین، اس ویلیام (۱۳۸۳). «حمایت از بزهدیده و نهادهای مردمی»، *ترجمه علی صفاری*، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۰.
۱۹. کوشکی، غلام‌حسن (۱۳۹۲). «سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری)»، *پژوهشی حقوق کیفری*، ش ۴.
۲۰. وبگاه فرهنگستان زبان ادب فارسی www.persian.academy.ir.
۲۱. وروایی، اکبر، همت محمدی و ایوب نوریان (۱۳۹۵). «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری»، *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ش ۲۸.